

# خضر، شیعه حضرت علی

اعمش می گوید:

در مدینه کنیز سیاه چهره  
نابینائی را دیدم که آب به مردم  
می داد و می گفت: به افتخار دوستی  
علی بن ابی طالب علیه السلام بیاشامید، بعد از  
مدتی او را در مکه دیدم که بینا بود و به  
مردم آب می داد و می گفت:

«به افتخار دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام  
آب بنوشید، به افتخار آن کسی که خداوند به واسطه او بینا می

را به من بازگردانید!»

نزدیک رفتم و به او گفتم قصه بینایی تو چگونه است؟

گفت: روزی مردی به من گفت: «ای کنیز تو آزاد شده علی بن ابی طالب و از دوستان او هستی؟»

گفتم: آری.

گفت: اللَّهُمَّ إِن كَانَتْ صَادِقَةً فَرُدَّ عَلَيْهَا بَصَرَهَا «خدایا اگر این زن راست می گوید: [و در محبت خود به علی علیه السلام] صادق است، بینایش را به او برگردان»

سوگند به خدا، بعد از این دعا، بینا شدم و خداوند نعمت بینائی را به من بازگردانید، به این مرد گفتم: تو کیستی؟

گفت: أَنَا الْخَضِرُ وَ أَنَا مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. **من خضر هستم، و من شیعه علی بن ابیطالب علیه السلام می باشم.**